

سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در نظام رهبری و مدیریت اسلامی از دیدگاه عقل و وحی

نوشته حجة الاسلام دکتر خلیل الله فاضلی

انسانها و بالمآل رسیدن به حضرت ذات سبحانه و
یا وصول به رحمت بی انتهای او است.^۱

ج: بعثت تمام انبیا و رسالت نبی اسلام
- علیهم السلام - به منظور اثاره و اناره عقول و
فطرت بشری است تا انسانها در قوس صعودی با دو
بال فطرت و عقل به سوی کمال و جمال ابدی
پرواز نمایند.^۲

د: دین مقدس اسلام که کامل‌ترین و
پسندیده‌ترین آئین خداوندی است متکی به وحی
و نشأت گرفته از حکمت بالغه و متعالیه الهی است

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ
شُورًا بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ^۱ وَبَشِّرْ عِبَادِ
الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ. (سوره زمر
آیه ۱۸)

پیشگفتار:

الف: به اعتقاد تمامی اهل ادیان، جهان هستی
بر اساس حکمت و اندیشه متعالی ذات اقدس
حکیم و علیم سبحانه و تعالی آفریده شده است.
ب: غرض و هدف آفرینش معرفت الله و تعالی

۱- سوره الشوری آیه ۳۸، آنان که به دعوت‌های الهی پاسخ و لبیک گفته‌اند و نماز را بیای می‌دارند و امورشان از طریق شورا می‌گذرد.

۲- آنچه از قرآن و دیگر مستندات استفاده می‌شود مردم در مسیر کمال به حقیقت ذات و پایه رحمت او نایل می‌گردند در سوره طه آیه ۷۳ می‌فرماید: «والله خیر و ابقى» که اشاره به نیل و وصول به رحمت پروردگار است.

۳- «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه» سوره انشاق آیه ۴، ای انسان خلقت تو به گونه ای است که باید همواره برای ملاقات پروردگارت در تلاش باشی و شاید منظور این باشد که انسان ماهیت حرکتش به سوی خداست و جز خداوند او را سیر نمی‌کند و عطش او را فروز نمی‌نشانند و آیه های ۲۸ سوره رعد «الا بذکرالله تطمئن القلوب» و ۴۲ سوره نجم «و ان الی ربک المنتهی» نیز اشاره به همین معنی دارد.

سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت و رهبری اسلامی به شیوه آنچه در نوشتارهای مدیریت معاصر مطرح می‌باشد، نیست و غرض این نیست که مثلاً تصمیم‌گیری را با تمام مقدمات و مسائل مربوط بدان از ارقام و آمار و دیگر امور مربوط و مبسوط بیان کنم به علاوه که مقدمات و مسائل مربوطه از مقارنات و شرایط تصمیم‌گیری از دیدگاههای مختلف متفاوت است. تنها در این بحث به اصول کلی و زیربنایی سیاستگذاری و تصمیم‌گیری از دیدگاه عقل و وحی اشاره می‌شود.

مبنای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در نظام اسلامی

اندیشه

سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در نظام مدیریت و رهبری اسلامی لزوماً بر تفکر و اندیشه صاحب نظران (أولوالالباب) و با توجه به تجربه‌های تلخ و شیرین در ذهن مانده از گذشته و با توجه به واقعیات موجود و آینده‌ای که با التفات به مقدمات و ابعاد دیگر آن تصویر می‌شود، شکل می‌گیرد (چنانچه شیوه عقلاً نیز همین است) با این تفاوت که سیاستگذاری در نظام اسلامی تنها بر عقل معمول متکی نیست؛ بلکه متکی بر اندیشه‌ای والاتر و برتر از اندیشه‌های

و لذا خطابات قرآنی کلاً متوجه اولوالالباب، عقلا و کسانی است که از موهبت عقل و اندیشه برخوردارند.

ه- عقل و خرد محبوب‌ترین مخلوقی است که نخست از ذات باری شرف صدور یافته و آن را کامل نمی‌فرماید، مگر در کسانی که آنان را دوست دارد، آنان که در پرتو عقل و اندیشه به شایستگی قبول بار امانت و مسئولیت در پیشگاه الهی مفتخرند.

محمد بن مسلم از امام علی - علیه السلام - نقل کرده که فرمود: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَّا إِنِّي إِيَّاكَ أَمَرْتُ وَ إِيَّاكَ أَنْهَيْتُ وَ إِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ.»^۱

«گوهرهای عقل را بیافرید و با او سخن گفت: فرمود: بیا، پس عقل اطاعت کرد و فرمود: برگرد، برگردید و آنگاه فرمود: به جلال و عزتم قسم که خلقی محبوب‌تر از تو نیافریدم و تو را جز در دوستانم کامل نمی‌کنم. به برکت تو امر و نهی می‌کنم و به واسطه تو عقاب می‌کنم و ثواب می‌دهم.»

مراحل سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و توکل در نظام اسلامی

هدف در این بحث، بیان تمام ابعاد

۱- اصول کافی، کتاب عقل و جهل، صفحه ۱۰.

بالتبع ارزش و اعتبار حرکت هر مقام تصمیم گیرنده دیگری به عقل گروهی و جمعی یعنی مشاوره منوط گردیده است.

در سوره های آل عمران و شوری آیات ۱۵۹ و ۳۸ می فرماید: «و مشاورهم فی الامر - و امرهم شوری بینهم» جالب اینکه امروزه پس از گذشت سالها و به برکت تجربه ها، دانشمندان علوم سیاسی - اجتماعی مانند «سی پی اسنو» در کتاب «علم و دولت» ضررهای مشاوره فردی را بیان نموده و به ضررهای آن در جنگ دوم جهانی که جان هزاران انسان در آن جنگ بخاطر مشاوره فردی و اشتباه «چرچیل» از دست رفت اشاره کرده است و همچنین پروفیسور «شاگل» نیز در کتاب «نبود اطمینان و تصمیم در بازرگانی» زیانهای مشاوره فردی را بیان نموده است. وی توصیه می کند که اولاً مشاوره فردی نباشد و ثانیاً تخصص تنها برای مشاوره کافی نیست، بلکه صداقت و صمیمیت و حسن نظر نیز باید باشد.^۱

ویژگیهای اطراف مشاوره

در قرآن کریم طرف مشورت به صورت جمع آمده و ضمائر جمع نیز متضمن صفت صداقت، ایمان و تعهد در اطراف مشاوره می باشد زیرا که

انسانی عادی می باشد و به تعبیر دیگر سیاستگذاری و تصمیم گیری در نظام اسلامی نشأت گرفته از وحی آسمانی است که مساوی و مساوق با انکشاف و انطباق صد درصد با واقعیات زندگی و حیات متکامل و متعالی بشری است و طبعاً معیار در حرکتهای سیاسی و جهت گیریهای نظام، وصول و نیل به واقعیتهای زندگی و به دور از تخیل، وهم و امثال آن است و حرکتها صرفاً در جهت رشد و تعالی امت و ملت اسلامی و بدور از وهم و خیال صورت می گیرد.

مشاوره (عقل جمعی و گروهی نه فردی)

نکته مهم اینکه در این جهت به عقل فردی در هر درجه و مرتبه ای از علو و تعالی باشد اکتفا نشد. چه می بینیم که پیامبر اسلام با نبوغ ذاتی و درایت و هوش فوق العاده ای که داشتند و به جز تأییدات وحی از اندیشه ای ژرف و تابناک برخوردار بودند، با این وصف به اندیشه دیگران و یاری گرفتن از آن بسیار اهتمام می ورزیدند و در موارد بسیاری با اصحاب خود به مشورت می نشستند، در جنگ احد و احزاب، طبق نقل ابن هشام (ج ۲ و ۳ صفحات ۵۲ و ۷) در نحوه مبارزه اصل مبارزه و جنگ مشورت کردند^۱ و تصمیمات رهبری و

۱- راغب گفته است «التشاور و المشاوره و المشورة استخراج الرأی بمراجعة بعض الی بعض» و این واژه از واژه «شرط لعل» یعنی استخراج و گرفتن عسل از موضعش گرفته شده است.

۲- علی - علیه السلام - در نهج البلاغه به نزاهت و پاکی اخلاقی اطراف مشاوره اشاره کرده و از مشاوره با افراد فاقد اخلاق حسنه منع فرموده است و در قرآن نیز آیات مربوط به صداقت ایمان در طرفهای مشاوره اشاره شده است.

در آیه ۳۸ سوره شوری می‌فرماید: «آنانکه به خدا جواب داده و نماز را اقامه می‌کنند امر آنان با مشورت انجام می‌گیرد» که به تعهد و اخلاص اهل مشورت صراحت دارد و در کریمه دیگر نیز (ضمیر) باز می‌گردد به کسانی که پیروان پیامبرند و پیامبر مأمور به محبت با آنان می‌باشد که طبعاً از تعهد صداقت برخوردارند و هدف بر این است که به وسیله مشاوره ضمن اهتمام به کرامت ذاتی عنصر انسانی، با شکوفایی استعدادها، تحرک فکری و دیگر فواید از نیروی عقلانی بیشتر و مطمئن تری در سیاستگذاری بهره‌گیری شود و با دخالت مشورت عنصر علم و آگاهی بر سیاستهای نظام حاکم گردیده و از خیال پردازی و اوهام و امثال آن پرهیز شود که «لامظاهرة اوثق من المشورة» و «المشورة المباركة» مشاوره از شئون حیات سیاسی امت اسلامی است.

از نبی اسلام نقل شده که فرمودند: «ما من رجل شاورَ احداً الا هدى الى الرشده»^۱ (هیچکس نیست که با کسی مشورت کند و به رشد و صلاح در امور هدایت نگردد) و از آیه شریفه «و امرهم شوری بینهم» - مشاور از شئون حیات سیاسی امت اسلامی است - چنان مستفاد می‌گردد که چون مومنین و مسلمانان، اهل رشد و صلاحند و از این

رو در استخراج و استکشاف صواب و نیل به واقعیت و حقیقت امعان نظر دارند به گونه‌ای که مشورت و مراجعه به عقول افراد صاحب نظر در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری از شئون حیات سیاسی آنان بوده و برای دیگر امم نیز الگو و شاهدند^۲ و لذا مشاوره در امر سیاستگذاری یک حرکت مقطعی نبوده بلکه شأن امت اسلامی است، چنانکه در کریمه ۱۸ سوره زمر این معنی به گونه‌های دیگر بیان گردیده و مشاوره را لازمه عبودیت پروردگار دانسته و می‌فرماید: بشارت ده بندگان مرا (عبادی)^۳ که به سخن سخنگویان گوش داده و در مقام انتخاب احسن هستند، آنان در مسیر هدایتند و آنان صاحبان فکر و اندیشه‌ای توانا هستند (اولوالالباب):

«فبشر عبادی الذین یستعمون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوالالباب»، سوره زمر آیه ۱۸.

«پس بشارت ده بندگان مرا آنان که به گفتارها گوش فرا داده و بهترین آن را انتخاب می‌کنند آنان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت فرموده و آنان صاحب عقل و لب (اندیشه و تفکر) می‌باشند.»

۱- المیزان مجلد ۱۸ ص ۷۴.

۲- «و کذالک جعلنا کم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً» (سوره بقره آیه ۱۴۳) «و همچنین ما شما را امت وسط و معتدل قرار دادیم تا بر دیگر امم شاهد و برای آنان الگو باشید و رسول ما نیز شاهد بر شما و الگویی حسنه است.»

۳- اینگونه تعابیر مانند: «قل یا عبادی» حاکی از نوعی عنایت و توجه خاص از ناحیه رب بر عبد و مروبوب است.

یک اصل ثابت در سیاستگذاری

آیه شریفه متضمن یک اصل ثابت و غیر متغیر است که در تمام زمینه ها و شرایط از نظر سیاستگذاری قابل پیروی بلکه واجب الاتباع است و آن عبارت است از اصل اتباع احسن که پیروان قرآن و متعهدین به مکتب اسلام، خویشان را به پیروی و به کارگیری از این اصل ملزم می دانند و در قرآن، از لوازم و آثار عقل به شمار آمده است.^۱ اصل مذکور به دو امر مسجل می شود: اول استماع، یعنی گوش دل فرا دادن به فراوردهای فکری و اندیشه های اندیشه مندان جهان که از راه سخن یا غیرسخن القا می شود و این خود مقدمه فراگیری و در واقع سکوی پرواز به سوی بهترینها و نیل به محصول اندیشه های محققان و صاحبان عقل بوده و در حقیقت فلسفه خلقت انسان است و از این روست که خداوند ابزار این حرکت تکاملی را به انسان عنایت فرمود «وجعل لكم السمع و

الابصار»^۲ به بشر شنوایی و بینایی دادیم تا از نعمت سمع و بصر بهره مند گردد. بشنود و ببیند آنگاه انتخاب نماید.

و در سورة الانسان می فرماید: «انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سمياً بصيراً»^۳ «همانا ما انسان را از نطفه مخلوط آفریدیم و او را درجه به درجه به سوی کمال بردیم تا شنوا و بینا گردید».

اصل دوم اتباع و انتخاب احسن و به دور از هر گونه تعصب و جهت گیری است که از آثار و لوازم اعظم نعم الهی و محبوب ترین آفریده های او یعنی گوهر عقل می باشد. چنانچه از لوازم غیرقابل انفکاک عقل نظری تشخیص بهترین از بدترین از بد، و در نتیجه، انتخاب بهترینها و اجتناب از بدترینها می باشد، تا در صحنه اجراء از بهترینها برخوردار و از بدترینها مصون ماند و به فرموده علی - علیه السلام - عاقل کسی نیست که بتواند

۱- ابو عبدالله اشعری از بعضی از اصحاب از هشام ابن الحکم و او از امام ابوالحسن موسی بن جعفر - علیهما السلام - نقل می کند که فرمود: «ابن هشام إن الله تبارک و تعالی بشر اهل العقل و الفهم فی کتابه فقال فبشر عباد...» خدای تبارک به عقلا بشارت داد و آنگاه آیه را فرمود... اصول کافی، کتاب عقل و جهل.

۲- سورة سجده، آیه ۹ و سورة ملک، آیه ۲۳.

۳- سورة دهر، آیه ۲، در آیه مذکور، قرآن خبر می دهد از اموری که هیچیک از آن امور برای هیچ بشری معلوم نبوده و تا حدود ۸۰ سال قبل هم از آن خبری نبود ولی پیامبر امی درس نخوانده در آن محیط به صراحت خبر می دهد که: ۱- انسان از نطفه مخلوط مرد و زن آفریده شده است. (در زمان نزول قرآن و بعد از آن می پنداشتند که زن فقط ظرف نطفه انسان است و بس ولی قرآن گفت که نطفه مخلوط از زن و مرد است) ۲- نطفه که منشاء خلقت انسان است اصولاً مرکب و مخلوطی است هم از نطفه زن و هم نطفه مرد که هر یک از عناصر متعددی ترکیب یافته است. طنطاوی صاحب تفسیر الجواد می گوید: «نطفه مرد (اسپرم) خود از ۱۲ عنصر ترکیب یافته است» که فهم این حقیقت پس از گذشت سدها سال بر علوم بشری برای انسان مقدور گشته ولی قرآن در ۱۴۰۰ سال قبل فرموده است. ۳- آیا می شود تردید به خود راه داد که این سخن از آن خداست؟ به حق فرمود، خدای در سورة بقره که: الم ذلک الکتاب لاریب فیه». همانا قرآن در محل شک و تردید نیست و اگر هرکس اندک اندیشه کند به وضوح در خواهد یافت که قرآن کلام بشر نیست.

بدی را از خوبی تشخیص دهد زیرا که حیوانات دیگر هم هنر تشخیص خوب و بد را برای نفع خویش دارند و در ارتباط با زندگی حیوانی، خوبی را جذب و دنبال می‌کنند و در مقابل بدی، واکنش منفی نشان می‌دهند. بلکه عاقل کسی است که اگر بین خوب و خوبتر و یا بد و بدتر گرفتار آید، بتواند خوب را از خوبتر و بد را از بدتر تشخیص دهد تا در هنگام عمل خوبتر را برگزیند و هنگام اضطرار بدی را که زیان و ضرر کمتری دارد، انتخاب نماید.^۱

سیاست‌گذاری و حکمت الهی

و چنانچه اشاره شد در نظام مدیریت اسلامی سیاست‌گذاری بر اساس الگوی حکمت الهی در نظام آفرینش صورت می‌گیرد که ما را به وجوب اتباع احسن ملزم ساخته و بر اساس آن تحقیق، اصطفا و انتخاب بهترین شیوه‌های اجرایی و سیاست‌گذاری در مدیریت تداوم می‌یابد و تخلف از این اصل در نظام اسلامی ضد ارزش است و زمامداران و مسئولان نظام برای تحصیل بهترینها و یادگیری، می‌باید از تحمل مؤنات و مسافرت‌های علمی که به منظور فراگیری بیشتر و بهبود مدیریت اسلامی انجام می‌پذیرد بیمی به دل راه ندهد و با آن سخاوتمندانه برخورد نمایند و در این مسیر از امساک و تنگ نظری پرهیز نمایند و از هر شیوه

بهرتر در سیاست‌گذاری با تحفظ اصول و مبانی ثابت استفاده نمایند که در نظام الهی هیچ کنکاشی مقدس‌تر و ارزشمندتر از کنکاش و تلاش در یادگیری و رسیدن به رشد و کمال نیست و اگر برای فراگیری یک سخن از شرق به غرب سفر کنیم، کاری در خور و بایسته انجام دادیم و به رسول خدا (ص) منسوب است که فرمودند: «لو كان العلم في الثريالنا له رجال من الفرس» اگر به مثل علم در ستاره ثریا باشد مردمی از فرس به آن دست خواهند یافت) و این سخن را از سر تعریف و ستایش این امت فرمود و نه بر سبیل یک خبر صرف؛ در تفسیر آیه شریفه سوره جمعه (و آخرین لمایلحقوابهم) طبق نقل فیلسوف و عارف بزرگ فیض کاشانی (ره) آمده است که از پیامبر اسلام (ص) پرسیدند: گروه آخرین که آیه قرآن می‌گویند بعداً می‌خواهند به اسلام گرایش پیدا کنند و ملحق گردند، کیانند؟ پیامبر دست بر پشت سلمان فارسی زد و فرمود: «لو كان الايمان في الثريا لنالها من هولاء القوم». اگر ایمان در ثریا باشد جمعی از این قوم (فارسی‌ها) بدان دست خواهند یافت و اینان در آینده به اسلام مشرف می‌شوند.

در کتاب درالمنثور به نقل از جوامع الحدیث از جمله صحیح مسلم بخاری ترمذی و نسائی از ابی هریره آمده است که پیامبر (ص) دست بر سر سلمان فارسی نهاد و فرمود: قسم بخدا که جانم در

۱- نهج البلاغه امیرالمومنین - علیه السلام - «يقول ما عبدالله بشي افضل من العقل»، کافی ج ۱، ص ۱۹ و «ليس العاقل من يعرف الخير من الشر و لكن العاقل من يعرف خیر الشّرین»، ج ۷۸، ص ۶.

اختیار اوست اگر علم در ثریا باشد مردانی از دیار سلمان بدان دست خواهند یافت در نقل دیگر دست بر شانه سلمان نهاد و فرمود اگر ایمان در ثریا باشد مردم دیار سلمان بدان دست خواهند یافت. حدیث مذکور را سعدابن عباده نیز از رسول خدا بازگو کرده است.^۱

اصول ثابت و متغیر

آنچه در زمینه سیاستگذاری مدیریت و رهبری اسلام باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که در معارف الهی به معنی اعم، دو رشته از مطالب وجود دارد که از آن به اصول ثابت و متغیر نام می‌بریم و منظور از اصول ثابت در هر مورد باید‌ها و نبایدها و ضوابطی است که همواره پایدار و غیر متغیر بوده و گذشت و تطورات زمان در زوال حسن و قبح آن تأثیر نگذاشته است و با همان وضع و شکل ویژه خود در تمام احوال ثابت می‌ماند و هر حرکت سیاسی در نظام با حفظ آن اصول، ملحوظ و ارزیابی می‌گردد.

ولی اصول متغیر با تحولات و تطورات و شرایط زمان و مکان متحول می‌گردد و به شکل خاصی بستگی ندارد و با پیشرفتهای زمان همگام و همراه است، البته در صورتی که سنتهای پیشرفته زمان دور و به کنار از خرافات اخلاقی باشد و الا هر چند که آن سنن به عنوان تمدن و عادت پسندیده اهل زمان پذیرفته و مقبول باشد، قابل تبعیت نخواهد بود.

مع الاسف در بسیاری از جوامع دیده می‌شود که انحرافات به عنوان تجدد و روشنفکری و روشنگری مورد توجه قرار گرفته؛ پس معیار در تجدد گرایی و روشنفکری صحیح آن است که تجدد گرایی و روشنفکری بر اساس و برخاسته از تمایلات عالی انسانی باشد و نه تمایلات حیوانی و شهوانی، بنابراین منظور از همگامی با پیشرفتهای زمان آنجاست که تغییر و تحول جامعه بشری از تمایلات عالی انسانی و تحقیقات بی‌غرضانه محققان بشر نشأت گرفته باشد که البته در این گونه امور جمود و خمود برگزیده خطا و نارواست و می‌توان آن را همان تعصب نابجا و محکوم نام نهاد و اگر این تحولات نوین بر اهواء بشری مبتنی باشد، پرهیز و اجتناب از آن لازم و ضروری است.

پویایی و انعطاف در سیاستگذاری

بر این اساس می‌بینیم که تعالیم عالیة اسلام و رمز خاتمیت پیامبر اسلام خاصیت پویایی و انعطاف و انطباق به نظام اسلام بخشیده است که بر اساس این ویژگیها سیاستگذاری نظام اسلامی با تمدن بشری به معنی صحیح آن هماهنگ گردیده. هیچگاه میان تمدن بشری و تعالیم حیاتبخش مکتب اسلام تضادی تحقق نخواهد یافت و رمز مطلب این است که دستورهای اسلامی برخاسته از وحی و در جهت تحقق بخشیدن به اهداف زندگانی، انتخاب و ارائه بهترین راهها و شیوه‌ها و

۱- المیزان جلد ۱۹ عربی ص ۳۱۰.

تجربه در نیاید علم نمی‌داند و لذا در این گونه مطالب ساکت بوده است و نفی و اثباتی نمی‌تواند داشته باشد؛ به تعبیر دیگر، اسلام اهداف زندگی را در قلمرو خود و مکتب خاص خود قرار داده ولی شکلها و صورتها و ابزار را در قلمرو علوم گذارده و در این مورد نه تنها هرگونه تضادم و تضاد و برخورد با علم را بشدت محکوم کرده بلکه بر اساس وحی و سنت رسول الله (ص) با تشویق و تحریض علم و تمدن بشر کمک نموده است و در مسیر زندگی انسان دو نوع شاخص و علامت تعبیه فرموده که سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت و رهبری باید با توجه به آن شاخصها صورت پذیرد.

در شاخص اول مسیر و مقصد و هدف را مشخص می‌کند و در شاخص دوم خطرات، تباهیها، سقوط و انحطاط بشری را نشان می‌دهد و کلیه دستوره‌های اسلامی در این دو شاخص خلاصه می‌شود.

نیل به اهداف مربوط ضرورت اجرا داشته و عنایت کامل در این امور به روح و معناست نه به اشکال صوری و ظاهری اشیاء.

سیاستگذاری در نظام الهی اسلامی به امور خارج از قلمرو علم نیز نظر دارد

باید گفت که دستوره‌های حیاتبخش اسلام به دلیل اتکاء بروحی، به تبیین اموری که از قلمرو علم خارج و از توان و قدرت علمی ساخته نیست، نیز پرداخته است، زیرا که می‌دانیم علم اصطلاحی، هیچگاه به هدف و روح و زندگی توجهی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد و چیزی را از این مقوله برای بشر در صحنه حیات عوض نمی‌کند اگرچه وسائل کامل تر و بهتری را برای راحت تر زندگی کردن و زیست به بشر ارائه می‌کند ولی هرگز به امور معنوی، به ملکوت جهان هستی و به اهداف عالی حیات، التفاتی ندارد و بهتر بگوییم نمی‌تواند داشته باشد. علم اصطلاحی اموری را که به حواس ظاهر و

۱- سیره رسول اکرم (ص) نشان می‌دهد که اگر احیاناً حرکتی دور از منطق و علم از مسلمانی مشاهده می‌شد فوراً مورد انتقاد قرار می‌داد و از ریشه می‌خشکانید آنگاه که بعضی از صحابه برای معالجه مسلمانی، دوست داشتند که پیامبر از طریق اعجاز وی را معالجه کند ولی حضرتش به عکس و به رغم این توقع فرمود: بروید حارث بن کله‌ده که شخصی درس خوانده است از طائف (یمن) برای معالجه بیاورید و تعبیر ایشان این بود که «انه رجل متطب» و با این عمل، افراد را به حرمت علم آگاه نمود و راه زندگی صحیح را به آنان بیاموخت و آنجا که مرگ فرزندش با گرفتن ماه یا خورشید قرین و همزمان شد و بعضی خواستند از این مورد استفاده تبلیغاتی بکنند و تقارن مذکور را علامت عظمت خاصی برای ایشان بدانند، چون پیامبر بشنید مردم را در مسجد جمع کرده و فرمود: «مردم، ماه بر اساس سنت و نظام تکوین و قوانین خاص خود گرفته است و فرزند من هم به دلیل کسالت خاص خود مرده است و هیچگونه رابطه تکوینی میان این دو حادثه نمی‌باشد.»

گویند در هنگام شدت مرض رسول خدا به دستور مرد یا زنی قدری داروی کوبیدنی در دهان ایشان نهادند به منظور معالجه و پیامبر آن وقت بی‌هوش بود ولی به محض اینکه به هوش آمد و متوجه گردید که چنین عمل بی‌اساس و برخلاف علم طب انجام شده دستور دادند از همان دارو در دهان همه آنان بگذارند و گویا این یک نوع قصاص بود ضمن اینکه حرکت جاهلانه آنها را بشدت محکوم فرمودند.

اما وسائل و ابزار زندگی را در هر عصری به معلومات زمان منوط ساخته است.

شاخصها در سیاستگذاری

۱- چنانکه گفته شد، اسلام و نظام رهبری و مدیریت در سیاستگذاری به اشکال و ظواهر امور تقدسی نبخشیده تا فرد یا امت اسلامی خویش را به آن اشکال و ظواهر وابسته و مقید نماید. مثلاً در باب البسه و پوشش ساختمان، دکوراسیون، مد و شکل خاصی را در اشکال زندگی مورد عنایت قرار نداده و برای این گونه امور نه تنها ارزش و اعتباری اساسی قائل نشده بلکه اگر بستگی و تقید به صورتها و ظواهر مانع ترقی و تعالی بشری باشد آن را ضد ارزش دانسته است و این خود یکی از جهاتی است که به آیین مقدس اسلام خاصیت تغییر و تحول و انطباق با تمدن صحیح بشری بخشیده و دین را با ترقیات و پیشرفتهای زمان همراه و همسو کرده است و امروزه به برکت تعالیم و اصول مقدس که در زمان حیات رسول اکرم (ص) با مدیریتی فشرده و بسیط متناسب با آن زمان اداره می شد می، باید تشکیلات با مقایسه با زمان بسط و گسترش یافته و از تشکیلات و سازمانهای مناسب برای اجرای مدیریت و رهبری اسلامی استفاده کرد.

۲- اسلام برای احتیاجات ثابت، قانون ثابت، و برای احتیاجات متغیر، قانون متغیر دارد چرا که پاره ای از احتیاجات فردی، شخصی و یا عمومی و

اجتماعی از وضع ثابتی برخوردار است. مانند نظام غرائز و ارضاء غرایز در انسان، نظام اجتماعی از نظر کلی و اصولی، تقید به صداقت در رفتار و عمل، وفا به پیمان، عقود و قراردادهای، نظم در امور و امثال آن که در همه ازمینه یکنواخت و ثابت می باشد و اسلام به آن پایبند و بر حفظ آن اصرار دارد. ولی بخش دیگر از امور فردی و یا اجتماعی مانند بسیاری از سنن عرفی و عادی در مورد مسکن، لباس، غذا و نحوه برگزاری مراسم همسری، ازدواج و دیگر امور که به اعتبار اقلیمی و جغرافیایی و عنصر زمان و فرهنگ، متغیر و متطور می باشد و در این زمینه اسلام تقید به امر بخصوصی را ارزش ندانسته، بلکه پیروان خود را به حکم عقل و کتاب آسمانی مأمور به انتخاب بهترینها نموده است و عقل را که یکی از ابزار و وسایل انتخاب می باشد به انسانها عنایت فرموده تا به مقتضای عقل، بهترینها را برگزینند. در مورد انتخاب و گزینش در قرآن کریم می فرماید:

«الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه.» سوره زمر آیه ۱۸. بشازت و هدایت الهی شامل حال کسانی است که اولاً به سخنها گوش دل فرا دهند و ثانیاً بهترینها را انتخاب و بکار بندند و در حدیث آمده است که: «خذ الحکمة و لو من المنافق». (حکمت را ولو از منافق بگیرد). بنابراین اصول محکم و مسلم، هرآنچه در زمینه امور اجرایی و اداری کشور اسلامی از دیدگاه عقلی و بر اساس تجربه بهترین شناخته شده امت اسلامی و بر اساس

بگیریم و بهترینها را در هر کجا و در اختیار هر کس اگرچه بدترین کسان باشند، گرفته و مورد استفاده قرار دهیم.

برخی از اصول ثابت و متغیر

برای تبیین و توضیح بیشتر مطلب به برخی از اصول ثابت و اصول متغیر در نظام اسلامی اشاره می‌کنم:

الف - اصل تهیه نیرو و یا اصل وجوب نیرومند بودن در برابر دشمنان؛ اصل مذکور یکی از اصول ثابت است که در آیه شریفه ۶۰ سوره انفال آمده است: «و اعدولهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم.»

«یعنی آنچه می‌توانید از نیرو و ابزار فراهم سازید، بگونه‌ای که در اثر نیرومند بودن و تجهیزات کامل، دشمنان خود و دشمنان خدا را بترسانید تا فکر و اندیشه تجاوز را در مغز نیوراندند.»

اصل مذکور (قوی بودن در برابر دشمن) در هیچ عصر و زمانی قابل خدشه نبوده و نیست و قهراً متغیر نمی‌گردد (مثلاً زمانی بیاید که در آن زمان ناتوانی و سستی در برابر دشمنان ارزش و توان و قدرت ضد ارزش باشد) ولی همین اصل ثابت فروعی دارد که در ازمنه مختلفه متفاوت است در شرایط و زمان خاصی ارزشمند و در زمان دیگر و شرایط دیگر، فاقد ارزش عقلانی هستند. امروزه

قرآن و سنن اسلامی، مأمور به اخذ و استفاده از آن می‌باشد و در سیاست‌گذاریها باید مورد نظر باشد و چنین نیست که الزاماً در همه زمینه‌های عملی و اجرایی و تشکیلاتی چیزی غیر از آنچه محصول سالها تجربه و پیشرفتهای علمی بوده و در همه جوامع و مدیریتهای بشری در دنیا معمول و متداول است، مطالبه کنند و تصور کنند که در همه اعصار و همه زمینه‌ها اسلام باید چیزی غیر از آنچه همه گفته‌اند و یا در دنیای پیشرفته متداول است، ارائه دهد و در نتیجه این اندیشه دچار پاره‌ای تکلفات و انحرافات گردد.

البته هرگز این سخن بدین معنی نیست که ما به انتظار دنیا بنشینیم که آنها چه می‌گویند تا ما از آن تقلید کنیم و راه تحقیق، مطالعه، اکتشاف و استکشاف لطائف و ظرائف که از لابلای آیات قرآنی و احادیث شریفه و سیره بزرگان در این زمینه بالاخص در زمینه منابع انسانی انگیزش و بهره‌برداری از گنجینه عظیم انسانی و برخورد صحیح با انسان و سازمان که خود آمیخته از انسانها و اندیشه‌های انسان می‌باشد^۱ و همچنین بین استراتژی مدیریت و رهبری اسلامی و خط مشیهای کلی استفاده می‌شود، بر خود مسدود نماییم بلکه بدان معناست که ما به حکم اصول و قواعد کارساز اسلامی و دستورهای قرآنی و غیره موظفیم از همه روشهای پسندیده و مثمر در اعمال مدیریت بهره

۱- غرض در اینجا تعریف دقیق و متفق علیه نزد علماء علم مدیریت در تعریف سازمان نمی‌باشد شما می‌توانید برای سازمان معنای دیگری تصور نمایید.

تهیه شمشیر و تیر و کمان و اسب، توان کافی در برابر دشمن مجهز به انواع سلاحهای اتمی، میکروبی، شیمیایی و غیره نیست اگرچه همین وسائل و ابزار در گذشته وسائل مهیب و موحشی برای دشمن به حساب می آمده است.

بر اساس اصل مذکور اسب دوانی و تیراندازی (سبق و رمایه) یک ضرورت به حساب می آمد ولی در عصر ما اصل مذکور فروع دیگری را می طلبد پس تیراندازی و اسب دوانی یک نیاز متغیر است که جای خود را به چیزی مناسب با اوضاع و شرایط زمان می دهد و سیاستگذاری در نظام رهبری و مدیریت با توجه به آن انجام می گیرد.

ب - اصل مالکیت و مبادله؛ یک اصل ثابت است که در هیچ زمانی از آن بی نیاز نمی باشیم و دارای ضوابطی است از جمله اینکه در مبادله، اکل مال به باطل نباشد (ولا تا کلوا اموالکم بینکم بالباطل) سوره نساء آیه ۲۹. «در اموال یکدیگر به باطل و حرام تصرف نکنید.»

این دو اصل فروع متغیری دارد مانند معاملات اشیاء نجس، خون و ... که در یک زمان از مصادیق اکل مال به باطل بوده و مبادله آن حرام است و در زمانی دیگر همین معامله از مصادیق اکل مال به حرام نیست، مانند معامله خون، مدفوع کود و

امثال آن که در آینده علم مطرح خواهد شد.
ج - اصل تضعیف روحیه دشمن و تقویت نیروهای خودی، که در همه اعصار به قوه و ارزش و اعتبار خود باقی است ولی فروع آن متغیر است از حضرت علی - علیه السلام - که در اواخر عمر محاسن شریف ایشان سفید شده بود پرسیدند: مگر پیامبر به استجاب خضاب امر فرموده است؟ شما چرا خضاب نمی بندید؟ فرمودند: در آن زمان عده پیرمردان در جبهه جنگ بیشتر از جوانان بود و دشمن که موی سفیدشان را می دیدند بر مسلمین جری می شدند و جرأت پیدا می کردند و نتیجتاً روحیه دشمن قوی می گردید بدین جهت خضاب برای موی سفید و پوشانیدن پیری از دشمن سنت گردید ولی حالا که عده و نفرات مسلمین زیاد است نیازی به این کار نمی باشد! از این جا می فهمیم که «اصل ثابت» تقویت روحیه لشکریان اسلام و کمک نکردن به روحیه گرفتن دشمن است و طبیعی است که تضعیف یا افناء روحیه دشمن و یا تقویت روحیه خودی در هر زمان از نظر شکل اجرایی متغیر و متفاوت است و در هر زمان چیزی می طلبد که پیروان مکتب اسلام باید آن را درک و دریافت کنند و بر شکل گذشته، ایست ننمایند.

د - اصل استقلال فرهنگی، و حرمت تقلید

۱- «سئل علیه السلام عن قول رسول الله (ص): غیر و الشیب و لا تشبهوا بالیهود فقال انما قال هم ذالک و الدین قل فاما لان و قد اتسع نطاقه و ضرب بجرانه فالمرء و ما اختار» نهج البلاغه فیض الاسلام، کلام ۱۷.
در کلام ۴۶۵ در پاسخ کسی که گفت: «لو غیرت شیبک یا امیرالمومنین»؟ فرمود: «الخضاب زینة و نحن قوم فی مصیبة.»

حوادث واقعه در مکتب اسلام با مقتضیات زمانی و جهانی و بر اساس امثال این اصل بعد از کارشناسی واقعی، متغیر و متحول می‌گردد.

و - اصل حاکم یا دلیل حاکم، که در درون مقررات اسلامی تحرک و انطباق بخشیده و تنگناها را از مسیر حرکت اسلامی برمی‌دارد.

ز - حکومت قاعده لایحه، که بخشی از مشکلات را آسان می‌کند.

ح - قاعده لاضرر و قاعده عسر و حرج، که در سطح بسیار وسیعی در داخل مقررات اسلامی حاکم و کارایی بسیار دارد و در واقع حکم نیروی تعدیل‌کننده‌ای را برای دیگر قوانین و احکام اسلامی دارد یکی از همین ویژگیهاست.

ط - اختیاری که در نظام حکومتی اسلام به حاکم اعطاء گردیده و دامنه بسیار وسیعی دارد و می‌تواند به کمک کارشناسان و اهل بصیرت و تشخیص مصالح امت اسلامی، روشهای مناسب را پیشنهاد و اجرا نماید نیز از همین موارد است.

ی - اصل اجتهاد، که بنا به گفته اقبال پاکستانی (ره) قوه محرکه اسلام است نیز از اصول مهم و دلائل پویایی مکتب اسلام در همه زمینه‌های فقهی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و غیره می‌باشد و به تعبیر دیگر مشروعیت اجتهاد ویژگی خاصی است که به برکت آن اسلام هماهنگی خود را با کاروان تمدن بشری به معنی صحیح آن حفظ می‌نماید بنابراین رموزی که در ساختار و ساختمان مقررات اسلامی تعبیه و نهفته است به اسلام

کورکورانه یک امر ثابت و غیر متغیر است که در هیچ زمانی اجتناب پذیر نبوده و همواره حفظ شخصیت و خود را نباختن در برابر مخالفان اسلام و ملحدان ضروری است ولی ضرورتها و اشکال ظاهری آن در هر زمان متغیر است مثلاً در مورد غذا خوردن، لباس پوشیدن که احیاناً از مصادیق اصل خودباختگی قرار می‌گیرد؛ اسلام شکل خاصی را الزام نمی‌کند می‌گوید: باید کاری که دلیل خودباختگی باشد از شما صادر نشود حال شما ایستاده یا نشسته و یا با ابزار خاص و یا هر نوع دیگر که می‌توانید عمل نمایید، مشروط و منوط به اینکه خودباختگی در برابر بیگانگان نباشد. البته رعایت یک سلسله آداب و رسوم که اسلام بدان توصیه نموده است، خالی از فوائد نیست هرچند علم بدان دست نیابد و یا امثال مکروهات که هرچند ترک آن مفید فایده می‌باشد ولی ترک الزامی نمی‌باشد. و شاید عدم الزام ترک به منظور تسهیل امر و سهل بودن طبیعت دین مقدس اسلام و یا کمک به پرهیز از گناه و خلاف باشد چنانکه در امر به مسواک فرمود: «اگر نه این بود که با ترک مسواک آلوده بگناه می‌شوید همانا مسواک را واجب می‌ساختیم.»

قاعده و اصل اهم و مهم

ه - فقهای بزرگ در مورد لزوم به اصل اهم و مهم تمسک می‌جویند؛ اصل مذکور بخشی از مواردی است که نشان می‌دهد چگونه مسائل و

و تشکیلات آن تحرک و پویایی می بخشد از بوعلی سینا معروف است، که در کتاب شفا فرموده است: «اصل اجتهاد امری ضروری برای اسلام می باشد.» بنابراین اسلام در اعمال مدیریت به اشکال و صورتهای ظاهری از نظر ساختار سازمانی و تشکیلات اداری و سازماندهی و روشهای اجرایی و شیوههای مختلف دیگر به منظور بهره برداری بیشتر و بهتر تا جایی که با اصول مسلم اسلامی تضاد نداشته باشد، بستگی ندارد و با عنایت و توجه به حفظ و صیانت معنوی نظام الهی می تواند از تمام روشهای متداول عصر خود بهره بگیرد و به حکم الگوی حکمت الهی و انتخاب احسن، بهترین را بکار گرفته و به برکت دستورها و قواعد اسلامی، از یک نظام باز و پویایی برخوردار باشد و سیاستگذارانها و تصمیم گیرانها در نظام اسلامی با حفظ اصول زیربنائی به طور متغیر و پویا و بدون ایستائی در جهت رشد و کمال امت و جامعه بر اساس مشاوره تشکل و تحقق می یابد.

گزینش و تهیهیم گیری در نظام مدیریت اسلامی
 «فبما رحمۃ من الله انت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاستغفر لهم و شاورهم فی الامر و اذا عزمت فتوکل علی الله» آل عمران، آیه ۱۵۹.
 (پس به خاطر رحمت و محبتی که ما در تفرار دادیم تو برای این مردم نرم شدی و اگر شخصی

خشن و قسی القلب بودی همانا مردم تو را تحمل نمی کردند و از گرد تو متفرق می شدند پس برای آنان طلب آموزش کن و با آنها در امور مشورت کن و هرگاه تصمیم گرفتی و عزم انجام آن را داشتی بر خدای توکل کن.»

چنانچه قبلاً اشاره شد تصمیم گیری در نظام مدیریت و رهبری اسلامی لزوماً بر اساس مشورت و استماع آراء صاحب نظران صورت می گیرد.

در آیات مذکور به دنبال امر به مشاوره و امر به استماع سخن، مدیران و رهبران به انتخاب احسن تصمیم و عزم فرا خوانده شدند چنانچه ضماین جمع در (وشاورهم) (وینهم) و ضمیر مفرد در جمله (فاذا عزم فتوکل) از آن حکایت دارد.

قابل توجه

تفریح توکل بر مشاوره و عزم و تصمیم دو نکته را به ما ارائه می دهد:

الف - اینکه جایگاه توکل و ایكال امر به پروردگار، آنجاست که مقدمات عقلانی علل و عوامل امر را از مشاوره، گزینش، تصمیم، عزم، آماده و ساخته باشد و تلاش فکری و عملی در حد کمال و تمام انجام گرفته باشد.

ب - اینکه تهیه و تعبیه مقدمات عقلانی و گردآوردن و علل و عوامل، آنگاه به ثمر کامل می رسد که امر به او ایكال شده باشد تا مقدمات مادی و غیر مادی که از حیطة قدرت ما خارج و در

۱ - «فبشر عبادی الذین یتسمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدایهم الله و اولئک هم اولوالالباب»، سوره زمر، آیه ۱۸.

ایصال به هدف یا بهتر رسیدن به هدف نقش دارد، فراهم گردد.

بنابراین توکل یک عنصر بازدارنده و راکدکننده نیست بلکه عنصری مثبت، نویدبخش و محرک است.

توکل و مشاوره در دو مرتبه است

این توهم که میان مشاوره و توکل نوعی عدم ملایمت و یا تضاد است، زیرا که در مرتبه اول تکیه بر نیروی عقل گروهی یعنی مشاوره و در مرتبه دیگر ایصال امر به خدا و سلب اعتماد از علل و اسباب ظاهری شده است، دور از صواب و ناشی از عدم تعمق می باشد زیرا که:

اولاً مشاوره و توکل در دو رتبه و مرتبه هستند و ثانیاً در مرتبه شورهم، حاکم خدا و اعتماد بر او است منتهی عنایت او از طریق عقول انسانی افاضه می شود و نظر به علل و اسباب آلی است نه استقلالی و به تعبیر دیگر نظر به علل و اسباب ظاهری به نحو (ما به ينظر) است نه (ما فيه ينظر). عقل و اندیشه و تحصیل هر علت و مقدمه ای مستقلاً و بدون ایستایی به ذات حق تعالی مورد نظر نیست و ید او در تمام مراحل چه آنجا که علل و شرایط برای ما قابل حس و چه آنجا که تهیه و تعبیه علل و اسباب برای ما غیر محسوس باشد در هر دو مرحله امداد از اوست که (کلا قد نمذ هولاء و هولاء من عطاء ربک و ما کان عطاء ربک محظوراً - عطاء الهی مطلق است و امداد از شئون

روبیّت اوست و ربی جز او نیست).

پس نعمت و امداد از آن اوست تفاوت در استعمال نعمت است که در چه مسیری از آن بهره گرفته شود و چنانکه قبلاً بیان شد با مشورت، علل و اسباب مادی و ظاهری را فراهم و مورد استفاده قرار می دهیم و با توکل، از یک سو عنایت الهی را به جلب علل و مقدمات خارج از اختیار می طلبیم و از سوی دیگر موانع را از قبیل ترس، حزن، سستی اراده و مانند آن را دفع می کنیم و خلاصه کلام در این مقام اینک:

اولاً؛ جلب امور غیراختیاری و نسیم رحمت و عنایت خاص او با دعا و توکل مقدر و ممکن است، ثانیاً؛ از نظر توحید افعالی، تمام افعال به اسباب و علل، تعلیل و تسبیب و به او منتهی می گردد و نسبت علت‌های قریب و علت‌های بعید به علت‌العلل و مبدأ قدرت، یکسان و در یک رتبه است. مثل حرکت کلید که بلافاصله با حرکت انگشت انجام می پذیرد از نظر انتساب به علت اصلی با حرکات و مقدمات قبلی - هرچند بعید باشند - یکسان است و از این بعد تقدم و تأخری بین آنها نیست.

علل و اسباب کلاً مسیر و مجرای فیض فیاض مطلق می باشد و از ذات خود چیزی جز مجری بودن که آنهم به مشیت اوست ندارند و کمال و نقص مجاری، منوط به ظرفیت و قابلیت بیشتر است که (انّ هذه القلوب اوعیة فخیرها اوعیها) «همانا این دلها ظرفها هستند و بهترین ظرفها آن

ظرفی است که بیشتر تحمل کند».

پس مرتبه مشاوره و مرتبه توکل نه تنها متناقض نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند و هر دو مرحله منطبق با مسیر تکوین است. در مرتبه مشاوره ید او از مجاری نور عقل است و علم و در مرحله توکل ید او از مجاری غیراختیاری و غیرمحسوس برای انسان است و هر مرحله به یک واقعیت باز می‌گردد که، «الیه ترجع الامور و الیه المصیر».

آنچه بعضی از طرفداران مذهب جبر و برخی از فلاسفه غرب پنداشتند که توکل یعنی دست روی دست نهادن و شاید بگویند دلیل رکود و جمود جوامع اسلامی هم همین معناست که مسلمانها را به رکود واداشته، پنداری است ناشی از عدم اطلاع از معارف عمیق و دقیق کتاب آسمانی (قرآن) و البته برای علما و فضلاء بلاد اسلامی این امور روشن است چرا که مقتضای توحید اسلامی اعتنا و عنایت دقیق به علل و اسباب ظاهری است در همان درجه و مرتبه ای که به علل مجهول

متافیزیکی و اعتنا و عنایت است و عدم اعتنا به علل و اسباب ظاهری بی‌اعتنایی به سنن لایتغیر الهی است و این معرفت بزرگ را پیامبر اسلام در پاسخ به یکی از اصحاب خود بیان فرمود او سؤال کرد زانوی شتر را ببندم و یا با توکل به خدا ره‌ایش کنم، فرمود: «هم زانوی شتر را ببند و هم توکل بر خدا بکن» (اعقلها و توکل - قیدها و توکل). نهج الفصاحه، شماره ۲۱۰۶. بنابراین مراحل تصمیم‌گیری از مشاوره آغاز و به توکل پایان می‌پذیرد و تمام مراحل در حضور الله است و به ید اوست و این معنی درست بر خلاف پندار بعضی مورد توجه آیات قرآنی است که در ظاهر و باطن این آداب توحیدی حفظ گردد و از این رو است که گفتن اینکه من این کار را انجام می‌دهم بدون تعلیق بر مشیت ذات لایزال پروردگار صریحاً ممنوع شده است (ولا تقولن شی انی فاعل ذالک غداً الا ان یشاء الله) سوره کهف، آیه ۲۲-۲۳.